

بیان

(ویرایش سوم)

دکتر سیروس شمیسا



تهران - ۱۳۸۵

شمیسا، سیروس، ۱۳۲۸.

بیان / سیروس شمیسا. - [ویراست ۲] - تهران: میترا، ۱۳۸۵.

۳۴۸ ص.

ISBN 964 - 8417 - 14 - 8

فهرست فریضی براساس اطلاعات فیبا.

پشت جلد به انگلیسی:

Sirous Shamisa. Figurative language.

واژه‌نامه.

کتابنامه: ص. ۳۴۱ - ۳۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. معانی و بیان. الف. عنوان.

۸ ب ۸ ش / ۹ فا ۴۲ PIR ۳۳۵۶

۱۳۸۵

کتابخانه ملی ایران

۳۸۱۰۹ - ۳۸۴



بیان

دکتر سیروس شمیسا

چاپ نخست از ویرایش سوم: بهار ۱۳۸۵ - چاپ: چاپخانه تابش

شمار: ۲۰۰۰ نسخه

حروف نگاری: میترا (الهام یگانه)

حق هرگونه چاپ و انتشار برای نشر میترا محفوظ است.

نشر میترا: تهران، خیابان مجاهدین اسلام، شماره ۲۶۲ تلفن: ۰۲۱۲۲۵۰۵

این اثر به یاری مؤلف به چاپ رسیده است.

شابک: ۹۶۴ - ۸۴۱۷ - ۱۴ - ۸ ISBN: 964 - 8417 - 14 - 8

www.mithra-pub.com

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار ویرایش سوم
۱۵	پیشگفتار ویرایش دوم
۱۷	پیشگفتار چاپ اول
.....	
۲۲-۴۲	فصل اول: تعاریف و کلیات
۲۳	سبک ادبی
۲۵	ادبیات، جهان تصویر و تخیل
۲۷	تعریف علم بیان و مباحث آن
۳۰	ادای معنای واحد به طرق مختلف
۳۳	بیان و سبک‌شناسی
۳۵	محاکات: ادای مخیل وجود
۳۷	جهانی بودن علم بیان
۳۸	فاایده علم بیان
۳۸	قرینه
۳۹	متدولوژی ادبیات
۴۰	تخیل
۴۱	بیان و روان‌شناسی
.....	
۴۳-۶۳	فصل دوم: مجاز
۴۳	مقدمه
۴۶	علاقه مجاز
۴۶	علاقة کلیت و جزئیت

۴۸.....	علاقة حال و محل يا ظرف و مظروف
۴۹.....	علاقة لازمیت و ملزمومیت
۵۰.....	علاقة سببیت يا علت و معلول
۵۱.....	علاقة آیت
۵۱.....	علاقة عموم و خصوص
۵۲.....	علاقة ماکان و مایکون
۵۳.....	علاقة جنس
۵۳.....	علاقة بدلیت و پی آمد
۵۴.....	علاقة قوم و خویشی
۵۴.....	علاقة صفت و موصوف يا مضاف و مضاف اليه
۵۵.....	علاقة احترام
۵۵.....	علاقة مجاورت
۵۵.....	علاقة تضاد
۵۶.....	علاقة غلبه
۵۶.....	علاقة شاهت
۵۷.....	تذکر
۵۸.....	مجاز مرکب
۵۸.....	مجاز در ادب فرنگی
۵۹.....	مجاز و زیان
۶۰.....	فهمیدن مجاز
۶۰.....	ارزش مجاز
۶۲.....	تمرین

۶۵-۱۰۱.....	فصل سوم: تشییه
۶۵.....	مقدمه
۶۶.....	تعاریف و کلیات
۷۱.....	تشییه علمی، تشییه ادبی، آراء دیویدسون
۷۳.....	تشییه به اعتبار طرفین آن
۷۹.....	آیا ممکن است وجه شبہ ذکر نشود؟
۸۰.....	حسی و عقلی
۸۲.....	تشییه خیالی و وهمی

فهرست مطالب □ ۵

۸۵	تشییه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن
۸۷	فرق مقید و مرکب
۸۹	تشییه مفرد به مرکب
۹۳	چند مثال در تشییه مرکب و مقید
۹۵	خلاصه و نتیجه در فرق مقید و مرکب
۹۶	قرینه‌سازی
۹۸	وجه شبہ
۱۰۰	وجه شبہ مرکب
۱۰۰	وجه شبہ تحقیقی و تخیلی
۱۰۳	تفسیر و تأویل
۱۰۵	مشبہ به عقلی
۱۰۶	محور همنشینی و جانشینی
۱۰۶	لازمه معنی وجه شبہ
۱۰۶	وجه شبہ دوگانه با صنعت استخدام
۱۰۹	وجه شبہ مفرد و متعدد و مرکب
۱۱۱	تشییه تمثیل
۱۱۳	فرق تشییه تمثیلی با ارسال المثل
۱۱۴	زاویه تشییه
۱۱۶	تشییه چیزی به خودش
۱۱۷	تشییه به صورت اضافه (اضافه تشییه‌ی، اضافه تلمیحی، اضافه سمبولیک، اضافه اساطیری، تشبیه موقوف المعانی، تشبیه در تشییه)
۱۲۳	غرض از تشییه
۱۲۴	مشبہ به اعراف و اجلی
۱۲۶	تبصره
۱۲۷	أنواع تشییه به لحاظ شکل
۱۳۴	نوکردن تشییه
۱۳۵	تشییه حماسی
۱۳۵	شعر لحظه‌ها و نگاهها
۱۳۷	تشییه در بدیع
۱۳۷	تشییه و طنز
۱۳۹	تشییه در ادبیات معاصر

تشبیه یکی از ایزار مفالطه.....	۱۴۴
فلسفه تشبیه.....	۱۴۵
تمرین.....	۱۴۷
فصل چهارم: استعاره.....	۱۵۳-۲۱۴
مقدمه.....	۱۵۳
قرینه.....	۱۵۹
قرینه همان ملائم است	۱۶۰
اهمیت بحث یکی دانستن قرینه و ملائم.....	۱۶۰
تعویض اصطلاحات	۱۶۰
استعاره مصرحه (مجدد، مطلقه، مرشحه).....	۱۶۱
«این» و «آن» به عنوان قرینه.....	۱۷۰
توضیحی درباره انواع استعاره مصرحه	۱۷۲
استعاره و اختیاع.....	۱۷۳
استعاره مکنیه یا بالکنایه	۱۷۴
استعاره مکنیه مطلقه	۱۷۸
پرسونیفیکاسیون	۱۷۹
آتیمیسم یا جاندارانگاری	۱۸۲
نکته.....	۱۸۴
اضافه تخصیصی	۱۸۵
گشاده دستی در توجیه تشخیص	۱۸۵
آیا اطلاق استعاره بر استعاره نوع دوم صحیح است؟	۱۸۶
این «استعاره» را چه بنامیم؟	۱۸۷
طرق توجیه	۱۸۸
نظر سکاکی	۱۸۸
استعاره قیاسیه	۱۸۹
استعاره تبعیه	۱۹۱
چرا تبعیه؟	۱۹۳
فورگاندینگ یا برجسته سازی	۱۹۳
استعاره از حیث جامع	۱۹۵
جامع عقلی	۱۹۶

فهرست مطالب □ ۷

۱۹۸.....	استعاره قریب و بعید
۱۹۹.....	تحقیقیه و تخیلیه
۱۹۹.....	وقاچیه و عنادیه
۲۰۱.....	استعاره تمثیلیه و مرکب
۲۰۲.....	فرق استعاره مرکب با کنایه
۲۰۳.....	محور همنشینی و جانشینی
۲۰۳.....	هدف از استعاره
۲۰۴.....	استعاره اساطیری
۲۰۴.....	مشاکله
۲۰۵.....	تشییه استعاره به استعاره و تراحم استعاره
۲۰۶.....	استعاره و هرمونتیک
۲۰۷.....	لیکاف و استعاره
۲۰۸.....	الگو برداری
۲۱۰.....	توجهی استعارهای عرفانی
۲۱۲.....	تمرین
۲۱۵-۲۷۱.....	فصل پنجم: بعد از استعاره
۲۱۷.....	سمبل
۲۱۸.....	سمبل‌های قراردادی یا عمومی یا سنتی
۲۱۹.....	سمبل‌های خصوصی یا شخصی
۲۲۰.....	زمینه فرهنگی سمبول
۲۲۱.....	نمونه‌هایی از سمبولیسم عرفانی
۲۲۲.....	سمبل و تشییه
۲۲۳.....	سمبل و استعاره
۲۲۴.....	سمبل و استعاره مرشحه
۲۲۵.....	تفسیر سمبول
۲۲۸.....	اضافه سمبولیک
۲۳۰.....	نشانه
۲۳۱.....	تشییه، استعاره، تمثیل، سمبول
۲۳۴.....	مکتب سمبولیسم
۲۳۴.....	سمبل و قدما

۲۳۵	سمبل و کنایه
۲۳۵	سمبل و تمثیل
۲۳۷	تمثیل
۲۳۸	الحکایة و التمثیل
۲۴۰	مثل و مثال
۲۴۰	نمونه یک داستان تمثیلی
۲۴۲	تأویل
۲۴۳	تشبیه تمثیلی، ارسال المثل، استعارة تمثیلی، نوع ادبی تمثیل
۲۴۴	دور هرمونتیک
۲۴۴	چهار معنای تمثیل
۲۴۵	کنش تمثیل
۲۴۵	فابل
۲۴۷	تمثیل غیر حیوانی
۲۵۰	تمثیل و سمبول
۲۵۲	اسطوره
۲۵۳	اسطوره و تشبیه و استعارة
۲۵۷	تشبیه تلمیحی
۲۵۷	اضافه تلمیحی یا اضافه اساطیری
۲۵۸	استعارة تلمیحی
۲۵۸	اسطوره و علم بیان
۲۶۰	اسطوره و معنای رمزی
۲۶۲	اسطوره، تمثیل
۲۶۳	علم بیان، ابزار توجیه منطقی
۲۶۴	آرکی تایپ
۲۶۷	صورت مثالی
۲۶۹	تمرین
۲۷۳-۲۹۳	فصل ششم: کنایه
۲۷۴	کنایه در محورهای زبان
۲۷۴	انواع کنایه به لحاظ مکنی عنہ
۲۷۷	کنایه قریب و بعید

فهرست مطالب ۹

۲۷۹	انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفا
۲۸۲	تعریض
۲۸۵	زمینه فرهنگی کنایه
۲۸۶	دو محک کنایه
۲۸۸	فرق کنایه با استعاره
۲۹۱	کنایه‌های نوین
۲۹۱	کنایه و سیکاشناسی
۲۹۲	تمرین
فصل هفتم: خاتمه در علم بیان	
۲۹۵-۳۰۲	محدوده علم بیان
۲۹۵	اغراق
۲۹۶	ایهام
۲۹۷	اسناد مجازی
۲۹۸	تمرینات کلی
فصل هشتم: توضیحات	
۳۰۳-۳۳۲	بحث وضوح و خفا در تعریف علم بیان
۳۰۳	مجاز و زبان، چند اصطلاح
۳۰۴	وضع نوعی و شخصی
۳۰۵	مشترک
۳۰۵	منقول تخصیصی و تخصصی
۳۰۶	منقول و مرتجل
۳۰۶	مجاز مشهور یا راجح
۳۰۶	علائم تشخیص مجاز از حقیقت
۳۰۷	توسیع و تخصیص
۳۰۷	نظریه استنباطی گراییں
۳۰۸	تحقیق در ساختمان تشبیه مرکب
۳۱۷	وجه شبیه تحقیقی
۳۱۸	اغراض تشبیه
۳۲۰	تشبیه در ادبیات

۳۲۰	قرینه همان ملائم مشبه است.....
۳۲۳	...و قرائن ضعیف یا ظریف و به هر حال غیرآشکار هستند.....
۳۲۴	اضافه استعاری و ادبی هند.....
۳۲۶	آیا اطلاق استعاره بر استعاره نوع دوم صحیح است؟.....
۳۲۷	استعاره از نظر ساختار نوع سومی هم دارد.....
۳۲۹	تناسی تشبيه و حقیقت ادعایی.....
۳۲۹	تحقيقیه و تخیلیه.....
۳۳۳	واژه‌نامه.....
۳۳۷	فهرست مأخذ.....
۳۴۷	نامنامه.....

پیشگفتار ویرایش سوم

امثال به سبب تغییر ناشر این توفیق دست داد که کتاب با ویرایش جدید حروف چینی شود. از آنجاکه اخیراً دیده‌ام و شنیده‌ام که در دوره کارشناسی بیشتر از کتاب بیان و معانی استفاده می‌شود و کتاب‌های معانی و بیان را بیشتر در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌کنند، در این ویرایش چندان دغدغه حجم کتاب و الهم فالاهم در مطالب درسی را نداشتم و تا آنجاکه راه می‌داد مطالبی را گاه به اختصار و گاه به تفصیل افرودم. البته مطالبی را که بیشتر جنبه توضیح و تحقیق داشت به آخر کتاب به فصل توضیحات برم. با این همه همواره مواطن بودم که ساختار کتاب به کلی در هم نریزد، زیرا این کتاب حدود ده بار تجدید چاپ شده و هم در دست مردم است و هم در تحقیقات ادبی به آن ارجاع داده‌اند. این گونه ویرایش‌ها که مستلزم حذف و اصلاح کلمات و جملات و افزودن سطوری در لایه‌لای سطور و طرح عنوانی جدید و به هم زدن نظم شماره ارجاعات و از این قبیل است به مراتب از کار یک تالیف جدید مشکل‌تر و وقت‌گیرتر است. این ویرایش‌های متعدد باعث شده است که در مواردی مطالبی چند بار تکرار شود، اما چون کتاب ماهیّه آموزشی است پژوهشی نیست. اگر قرار بود دست به تألیف جدیدی بزم دوست داشتم فقط به مطالب اساسی پردازم، نظریات قابل توجه قدما و چون و چراهای خودم را مطرح کنم و از سخنان استعاره‌پژوهان امروز غربی سخن در میان آورم، امerto اکو در مقاله‌یی که چند سال پیش نوشته می‌گوید که تنها در مورد استعاره حدود سه هزار عنوان کتاب و مقاله ثبت شده است.

فکر می‌کنم امروزه دیگر بیان هم (چون عروض و بدیع و قافیه...) از آن حالت

ایستایی که قرن‌ها (لاقل از قرن هشتم به بعد) به آن مبتلا بود خارج شده باشد و دیگر کم کم بتوان تک‌نگاری‌هایی در باب مباحثت آن مثلاً تنبیه یا استعاره نوشت. به‌فرحال جزو آرمان‌های دور و دراز من چنین برنامه‌یی هست و نیز آن چند موردی که قبلًا اشاره کردم:

۱. نقد و تحلیل آراء بیانیون کهن که حاصل سال‌ها تدریس من از کتاب تلخیص المفتاح خطیب قزوینی است. مثلاً نظریات سکاکی در باب استعاره – که تحت الشعاع آراء خطیب و تفنازانی قرار گرفته و آن را بعضاً رد و انکار کرده‌اند – بسیار جدید و امروزی است و به اعتباری می‌توان آن را با آراء لیکاف که استعاره را در حوزهٔ اندیشه می‌داند نه زیان مقایسه و مربوط کرد.

۲. آراء ادبی و فیلسوفان زیان و زیان‌شناسان معاصر فرنگی در باب بلاغت چون لیکاف و یاکوبسون و دیوبیدسون و فیلیپ ویلرایت و ردی... بخشی از آراء لیکاف را در این کتاب و آراء گرایس را در ویرایش جدید معالی (که در دست دارم) آورده‌ام. زیان‌شناسی کاربردی (Pragmatics) و تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) می‌تواند معانی را به صورت کاملاً علمی عرضه کند. نظریهٔ کنش گفتار (Speech act) واقعاً راهگشاست. لیکاف در بحث‌های خود از استعاره افق کاملاً جدیدی را به‌ما نموده است. اما بحث‌های ایشان (زیان‌شناسان) بیشتر مربوط به زبان عادی است و من کوشیده‌ام تا آن‌ها را در زبان ادبی پیاده کنم. شبیه به کاری که مثلاً در همین کتاب در باب سمبول و اسطوره و آرکی تایپ کرده‌ام. این عناوین مربوط به حوزه‌های مختلف علوم انسانی چون روان‌شناسی و مردم‌شناسی... هستند ولذا ابعاد مختلفی دارند. من سعی کرده‌ام که به آن‌ها جنبهٔ «بیانی» بدهم.

۳. آراء و نظریات شخصی خود من چون یکی دانستن قرینه و ملایم و این که قرینه دو کنش دارد هم صارقه است و هم معینه، استعاره مصرّحة مرشحه جزو مصرّحة مطلقه است، تغییر در مفهوم وجه شبه تحقیقی، در تشیهاتی که مشبه به عقلی است باید وجه شبه ذکر شود، مشخص کردن مفهوم مقید در برابر مفرد و مركب در بحث تشیه، تشکیک در ارزش ادبی مجاز و غیره و غیره که به اختصار و اشاره (چون آن دو مورد دیگر) در این کتاب مطرح شده‌اند.

حقیقت این است که چون اصول بیان به درستی آموخته شد دیگر حد و مرزی ندارد

و اشاعه ذهنی پیدا می‌کند، مثلاً از سویی به سبک و از سویی به نقد و از سویی به ماهیت ادبیات مربوط می‌شود و وجوده پایان‌ناظری می‌یابد.

از سویی از اشاره و اختصار گزیری نبوده است تا بتوان مطالب بیشتری را در کتاب گنجاند و از سوی دیگر همین اشاره و اختصار گاهی باعث شده است که کسانی که نزد خود من بیان نیاموخته‌اند (یا مثلاً تازه سال اولی است که به تدریس این علم مشغول شده‌اند) دچار سوءتفاهم شوند و مطالب برای آنان به اندازه کافی روشن نباشد و پسندارند که فلان مطلب اشتباه است و من مثلاً به همان مطلب بدیهی توجه نداشته‌ام. امیدوارم کسانی که با این کتاب سروکار دارند نظریات خود را کما فی الساقی به آگاهی من برسانند تا اگر به خواست خدا در آینده دویاره امکان تجدیدنظری پیش آمد از آن‌ها بهره‌مند شون.

سیروس شمیسا

۱۳۸۲

پیشگفتار ویرایش دوم

کتاب بیان را که در سال ۱۳۷۰ منتشر کردم هر سال به چاپ جدیدی رسید اما حروف چینی مجدد نشد. اکنون این توفيق دست داد که کتاب مجدد حروف چینی شود، لذا توانستم در آن به آرایش‌ها و ویرایش‌هایی دست یازم. برخی از شاهد مثال‌ها را تغییر دادم، مطالبی را حذف یا اصلاح کردم و مطالبی نیز گاه به اختصار و اشاره‌وار افزودم. برخی از افزوده‌ها را که جنبه فنی یا تفصیلی داشت و یا برای همه کسانی که بیان می‌آموزند چندان ضروری نمی‌نمود تحت عنوان توضیحات به آخر کتاب بردم.

خوشبختانه در سال‌های اخیر یادداشت‌های استاد علامه، جلال الدین همایی پیرامون معانی و بیان منتشر شد که بسیار مفتنم است. استاد همایی در علوم بلاضی مجتهد و صاحب رأی و استقلال فکر بود. از نکات و دقایق این کتاب نیز استفاده کردم. اما در همه این ویرایش‌ها و آرایش‌ها سعی من این بود که به چهارچوب اصلی کتاب صدمه‌یی وارد نشود زیرا پنج چاپ از آن قبل از منتشر شده و در دست علاقه‌مندان است. از همه کسانی که در این مدت نکاتی را متذکر شدند صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم در آینده نیز هیچگاه از نکته‌یابی‌های خوانندگان بزرگوار بی‌نصیب نمانم (هرچند به سبب قلت وقت، نه از روی بی‌ادبی، امکان نوشتن پاسخ و اظهار تشکر را نمی‌یابم). این گونه کتاب‌ها هیچ‌گاه از اصلاح و تجدیدنظر بی‌نیاز نیستند، ان شاء الله در آینده یک بار دیگر بتوانم صورت منقح‌تری از آن را تقدیم کنم.

سیروس شمیسا
۱۳۷۶

پیشگفتار چاپ اول

بیان نیز از مجموعه دروسی است که سال‌ها به تدریس آن اشتغال داشتم و به این مناسبت یادداشت‌های فراوانی در این زمینه آماده کرده بودم و اینک خوشحالم که سرانجام توانستم بخشی از آن‌ها را – که بیشتر صورت درسی و آموزشی دارد – به صورت کتاب حاضر منتشر کنم.

هنوز از جزووهای یادداشت‌های مربوط به دروس دانشگاهی چند عنوان از جمله سبک‌شناسی و نقد ادبی باقی مانده است که می‌باید در فرصتی به تنظیم و پاکنویس آن‌ها اقدام کنم. هر چند تدوین این یادداشت‌ها به صورت کتب درسی سالیان چندی است که مرا از امور دلخواهم که پرداختن به ادبیات خلاق – شعر و داستان – و زمینه‌های غیردرسی – اساطیر و روان‌شناسی و تفسیر و تأویل متون... – است بازداشته است، اما به‌هرحال تا اندازه‌یی خرسندم که توانستم در برخی از زمینه‌های درسی – عروض و قافیه و بدیع و معانی و بیان... – تا حدودی کارکی انجام دهم و مختصراً تحولی در زمینه بحث و فحص‌های درسی ایجاد کنم و نسبت به کتب و جزوای که مرسوم بود حداقل نیم‌گامی به‌سوی طرح مطالب به صورت روشن‌تر و علمی‌تر بردارم.

هر چند روز به‌روز توان تنظیم و تدوین این گونه کتب درسی که به مقتضای ماهیت سنتی و بغيرنجشان مستلزم دقت و تجربه و آشنایی با اقوال قدمای عربی‌نویس و معاصران فرنگی‌زبان است – و معمولاً تا چند بار نوشته و پاکنویس نشود، حداقل رضایت را ایجاد نمی‌کند – در من کمتر و کمتر می‌شود اما از طرفی تشویق و تأیید همکاران که در گوش و کنار این مملکت پراکنده‌اند – و هرازگاهی در کنگره‌ها سعادت

دیداری دست می‌دهد – مرا موظف می‌کند که راکه در پیش گرفته‌ام به‌هرشیوه به‌پایان رسانم. لازم به‌ذکر است که همواره برخی از دانشجویان نیز بوده‌اند که از این سوی و آن سوی، دریافت‌ها و اشکالات و نظرات سازنده خود را با من در میان نهاده‌اند. امیدوارم که در آینده این توفيق را داشته باشم که در حروف‌چینی مجدد کتب خود یاوری‌های علمی این دوستان شناخته و ناشناخته را منعکس کنم و تحریر روشن‌تر، علمی‌تر و مفصل‌تر جزوای خود را در اختیار عاشقان بی‌نام و نشان ادبیات فارسی قرار دهم.

ای کاش زمانی فرار سد که ناشران ما دریابند که تجدید چاپ برخی از کتب به صورت حروف‌چینی مجدد – در هر چاپ یا لااقل بعد از دو چاپ – هرچند متضمن ضرر و زیان نسبی باشد، از آنجا که در پیشبرد شاخه‌یی از علم مؤثر است، خدمتی به جامعه و فرهنگ خواهد بود که با حساب‌های مادی، قابل محاسبه نیست.

در کتاب حاضر هم چنان که شیوه من است به‌یکباره از طرح مطالب و مثال‌های سنتی، نبریدم بلکه بر مبنای اصول شناخته شده این علم در چهارچوب همان اصطلاحات کهن، به طرح نظریات تازه و ارائه مثال‌های نوین پرداختم. تجربه به‌من نشان داده است که طرح مطالب نوین بدون ارجاع و اشاره به مطالب قدما و خارج از زمینه‌های سنتی بحث و مثلاً یکسره به مثال‌های نوین پرداختن و در چم و خم نظریات جدید آویختن و وضع اصطلاح و اسمای تازه و نوظهور کردن، ذهن خوانندگان را از تعقیب دقیق مطلب و دریافت صحیح موضوع باز می‌دارد و در این زمینه‌ها نباید از حدودی تجاوز کرد. و آنگهی با فانوس در جنگلی تیره تا چه میزان می‌توان گام‌های بلند برداشت؟ و به‌حال شیوه من این است که با احتیاط قدم به قدم به‌پیش رانم. بدیهی است که بعد از گذشت سالیانی چند و انس اذهان به مطالب نوین و نقد و بررسی آرا و اطمینان از صحت پیشهادها و دریافت کارآمد بودن راه حل‌ها می‌توان قدم‌های جدیدتری برداشت.

بر مبنای همین تجربه است که من از همه یادداشت‌های خود در این کتاب استفاده نکرده‌ام و ممکن است دانشجویان من برخی از مباحثی راکه برای آنان در کلاس مطرح می‌کرده‌ام در این جزو نیابند، اما به‌حال از هر فرصتی استفاده کردم و در خلال

چهارچوب اساسی بحث به طرح عناوین جدیدی از قبیل سمبول و اسطوره و آرکی تایپ اقدام کردم و به مناسب در اقوال قدما چون و چرایی به میان آوردم و در کنار اشعار مأنسوس ادب سنتی از اشعار شاعران معاصر نیز بهره جستم.

در باب اهمیت علم بیان در تحقیقات ادبی به اندازه کافی در متن کتاب سخن گفته‌ام. در یکی از کنگره‌های اخیر، یکی از همکاران در ضمن سخن‌هایش با حالت تقریباً افتخارآمیزی گفت فلانی می‌داند که من چه قدر از معانی و بیان بیزارم! من البته تا حدودی به او حق دادم، زیرا با توجه به کتب موجود در این زمینه‌ها که مربوط به ادبیات عرب و حال و هوای کهن فرهنگ پیش از دوران مغول است، قاعدة نباید برای اذهان روشن و نوادریش جاذبه‌یی وجود داشته باشد، اما از طرفی نتوانستم از اظهار تعجب – البته در دل – بازمانم که چگونه ادبی بدون التفات به علوم ادبی کلیدی مخصوصاً بیان که مستقیماً مربوط به شناخت ماهیت ادبیات است می‌تواند به بررسی و کندوکاو و توضیح و تبیین دقایق متون پردازد؟

پی‌آمد در دست نبودن کتب امروزی و کارآمد در زمینه‌های این گونه علوم ادبی – و یکسره یافته‌های دانش‌های نوین و تکامل یافته‌یی از قبیل زیان‌شناسی و نقد ادبی... را باد هوا انگاشتن – به خوبی در تحقیقات ادبی ما منعکس است. مثلاً در بررسی آثار شاهزادی چون حافظ (و نظامی...) ملاحظه می‌شود که دیدگاه‌های بدیعی و بیانی که مخصوصاً در اوج اهمیت است به محقق فراموشی سپرده شده است. حال آن که بر اهل نظر آشکار است که کسانی که مثلاً به بدیع یا بیان تسلط کافی و نظر پویایی نداشته باشند لااقل از درک پنجاه درصد از لطایف و نکات و معنی ایات حافظ و نظامی – و کثیری از صاحب سبکان – عاجز خواهند بود. البته ممکن است کسی بیست بار مظلوم را تدریس کرده باشد اما حتی از تشخیص رمز و راز استعاره‌یی در بیتی فارسی و یا توضیح وجه شبیه در تشبیه‌یی تازه بازماند و من خود این را به چشم دیده‌ام. ما باید هرچه بیشتر علوم ادبی را به جانب علمی بودن، قابل اثبات و رد بودن، استدلالی بودن، روشنمند بودن... به‌پیش رانیم. به‌هرحال مقصود این است که آن طور که این علوم در کتب سنتی مطرح شده است برای امروزیانی که به‌علتی شیفتة آن علم نیستند، مؤثر و متحول کننده نیست. چه بسا امروزیانی که فقط ناقل و حمال (رُبّ حامل قرآن و القرآن يَلْقَهُ) یکی از این علوم

ادبی هستند بدون آن که خود قادر به استفاده از آن باشند؛ حال آن که باید با امروزی کردن بحث، حتی المقدور ترتیسی داد تا کسی فقط از گروه حاملان و ناقلان محسوب نشود بلکه به صورت طبیعی بتواند از بار ابزاری که بردوش ذهن نهاده است و می‌کشد بهره نیز ببرد.

آن سخن را زآن سخن نبود خبر از بر وی تا به می راهی است نیک آب از او بسر آب خواران بگذرد زانک آن جو نیست تشنه و آب خوار	گر سخن گردید ز مو باریکتر مستی دارد ز گفت خود ولیک همجو جوی است او نه او آبی خورد آب در جسو زان نسی گیرد قرار
--	--

مشوی

باری چندی پیش یکی از فضلا مقاله‌یی درباره سعدی نگاشته بود و در توضیح شیوه‌های ساختاری برخی از ابیات او به کوششی ارزشمند دست زده بود، متنه چون به صنعت استخدام در بدیع توجه نداشت، یعنی مفهوم آن ملکه ذهن او نبود – و گرنه تردیدی نیست که آن را در کتب بدیعی خوانده بود – در تعبیر برخی از ابیات شیخ به توجیهات عجیبی توسل جسته بود.

این مقدمه ناخواسته به درازا کشید، با اشاره به یکی دو مطلب سخن را کوتاه می‌کنم. خواست من در این کتاب طرح مطالب به صورت مختصر بود با این همه به سبب گسترده‌گی بحث، در برخی از قسمت‌ها سخن اندکی جنبه تفصیل یافته است، العلم نقطه کثرها الجاهلون، مطلب علمی باید روشن و مختصر باشد و به آسانی دریافت شود. شایسته است استادان گرامی در تدریس، بیشتر به قوانین کلی و مطالب روشن عمومی پردازنند – علیکم بالتون لا بالحواشی – و نکات تفصیلی و فرعی و جزئی را در ضمن بحث و فحص از تمرینات – بعد از اطمینان از این که دانشجو کلیات بیان را آموخته است مطرح کنند. من چون در زمینه‌هایی به بررسی نظریات قدما پرداخته‌ام یا به شرح مطالبی اقدام کرده‌ام که در کتب ستی مبهم بود (مثل فرق مقید و مرکب)، به ناچار وارد جزئیاتی شدم که بیشتر به درد آشنایان به علم بیان می‌خورد و دانشجویان مبتدی را نباید در آن بحث‌ها – که ممکن است اصولاً بزمینه دعوا آشنا نباشند – دخالت داد. البته من خود صورت مختصر شده این کتاب را که فقط حاوی مباحث کلی باشد در آینده نزدیکی منتشر خواهم ساخت. درس معانی و بیان در دانشگاه‌ها در چهار واحد عرضه می‌گردد پیشنهاد

من این است که همکاران گرامی در دو واحد درس معانی (که کتاب آن به قلم این ناچیز قبلًاً انتشار یافته است) و در دو واحد درس بیان را جداگانه و مستقلًاً تدریس فرمایند و در توضیح و تفسیر ابیات متن و تمرینات، به صورت تفصیلی دانشجویان را با رمز و راز صنایع بیانی آشنا سازند – خُنُرُ الْعِلْمَ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ – به طوری که کنجکاوی و علاقه آنان به زمینه‌های بحث تحریک شود. من گاهی به مناسبت فقط به یک مورد اشاره کرده‌ام حال آن که شرح بیست مفصل است. در ضمن بررسی تمرینات باید با تفصیل تمام صورت گیرد.

بی‌شک در پاره‌بی از بخش‌های این کتاب، جای تأمل و چون و چرا است، عاجزانه از همکاران گرامی و علاقه‌مندان به علم بیان انتظار دارم که نظریات اصلاحی خود را از طریق ناشر یا دانشکده‌ادبیات دانشگاه علامه طباطبائی – تهران، سعادت‌آباد – به اطلاع من برسانند.

در خاتمه از خانم پریسا کرم‌رضانی – که سال‌ها پیش در دانشکده نزد من بیان آموخت – تشکر می‌کنم که یادداشت‌های ارزشمند خود را برای تدوین بخش‌هایی از این کتاب (مثلاً ساختمان تشبیه مرکب) در اختیار من قرار داد.

سیروس شمیا

تیرماه ۱۳۷۰